

می آید که همین طور است. اما در واقع جای خالی چهره‌های شاخص حس می‌شود و اکثر گروه‌های در حال کار جدید هستند که در این شرایط با دیدن خالی بودن عرصه وارد این حوزه شده‌اند. البته این مسئله هم می‌تواند کمک کننده باشد و هم آسیب‌زا، چرا که جوانان فرصت حضور پیدا کرده‌اند اما اینکه بی سابقه هستند و مسیر درست را برای رسیدن تا به این مرحله طی نکرده‌اند اصلاً خوب نیست. کسی مثل من ارزش انتظار برای اجرا در سالن بر قدمتی مانند تئاتر شهر را درک می‌کند و به حساب آن نمایشی به فراخور قدمت و ارزش این سالن، آماده اجرای کند. اما وقتی به جوانی که خیلی سبقت تئاتری ندارد اجازه اجرا در این سالن را می‌دهند قطعاً بدون توجه به ارزش‌های صحنه‌ای و نیاز مخاطب کارش را پیش می‌برد. یکی از همین جریان‌های آسیب‌زا افتتاح سالن‌های خصوصی بود که گروه‌ها بدون دانش تئاتری فقط با پرداخت هزینه اجرای سالن، نمایش بر روی صحنه می‌بردند در حال حاضر، عرصه برای فعالیت غیر حرفه‌ای خالی شده است البته ممکن است حتی همین نمایش‌ها مخاطب را جذب کند اما هیچ تأثیر مثبتی بر جریان هنری تئاتر ایران نمی‌گذارد. به نظر من اثر هنری جدا از اینکه چقدر با میزان استقبال مخاطب مواجه می‌شود یا خیر باید از نظر بار معنایی و جریان سازی هنری که در تاریخ تئاتر ایران دارد، ارزیابی شود.

صحبت پایانی:

سیاسگزارم از گروه دوستان رسانه و مطبوعات که می‌دانم در این شرایط سخت پیگیر مسائل هنرمندان هستند و خط ارتباطی موثری بین مردم، مسئولین و هنرمندان هستند.

حسین میرزائیان:

هر انسانی در جهان یک ساز است

در ابتدا، کمی از سابقه خود در زمینه تئاتر بگوئید؟

تئاتر برای من از دوران مدرسه آغاز شد. سال ۱۳۶۹ اولین اجرای حرفه‌ای خود را سالن قشقایی تجربه کردم. بعد از آن با حضور در آثار تلویزیونی و سینمایی و بیشتر تئاتر، تئاتر در این مسیر آیدیده شدم. این دو سال اخیر بسیار پرکار بودم. میثم یوسفی از گذشته با بنده دوست بود و مخاطب خوب اجراهای نمایشی من بوده است. در تغییرات اخیر که در اجرای نمایش جنگ و صلح اتفاق افتاد من به جای یک بازیگر دیگر به این نمایش اضافه شدم. من از قبل این نمایش را دیده بودم بسیار به این کار و سبک اجرای خاص آن علاقه مند بودم. نمایش جنگ و صلح یک تئاتر فیزیکال و معناگراست. نگاه و زاویه دید کارگردان این نمایش به مقوله عشق مرایشافته این نمایش کرد. اقتباس از اثری شاخص که در عاشقانه‌ای میان سازها حلول پیدا می‌کند. برای خود بنده حضور در این نمایش تجربه بسیار خوبی بود و حالم با این نمایش خوب است.

آیا جای خالی این ژانر و سبک نمایشی را در ایران احساس می‌شود؟

بله، بسیار زیاد. برای خود بنده که سال‌هاست در این حوزه کار می‌کنم و تجربیات زیادی هم در این راه کسب کرده‌ام جای خالی این سبک بسیار خالی است. نمی‌گویم اصلاً نبوده است اما خیلی کم به این سبک نمایشی در ایران پرداخت شده است. به همین خاطر بود که من در نمایش کافه عاشقی هم با جان و دل حضور داشتم و یکبار نمایش کافه عاشقی در عین نوگرا بودن تفاوت‌های زیادی با نمایش جنگ و صلح دارد. در جنگ و صلح من نقش کمانچه را ایفا می‌کنم. در نمایش جنگ و صلح کاملاً به صورت اپرت بازیگران در هیئت یک ساز بر روی صحنه ظاهر می‌شوند. در واقع این نمایش بازگو کننده این صورت زبیا از اجتماع انسانی است که هر انسانی در جهان یک ساز است که متناسب با خودش و شرایط نوای او به صدا در می‌آید. آدابته کردن این مقوله زیبا در نمایش از نظر من رویکردی بسیار مدرن به مسئله‌ای پر معنا و عمیق است. پایان این نمایش، این پیام زیبا را القامی کند که اگر این سازها که نماینده انسان‌ها هستند در هارمونی و هماهنگی با هم قرار بگیرند، صدای خوش آواز و دلنشین از جهان برمی‌خیزد.

صحبت پایانی:

مخاطب با دیدن این نمایش با حال خوب از سالن بیرون می‌رود. به عنوان تئاتری از دوستان این حرفه می‌خواهم به جای گلایه کردن به صحنه بیایند و کار به اجرا ببرند. ما باید حرف خود را در اجرا بزنیم. مشکلات زیاد است اما با خالی شدن این عرصه از هنرمندان حرفه‌ای، کسانی وارد این حوزه می‌شوند که اندیشه و دغدغه هنر ندارند. من هم اینجا از تمام دوستان حرفه‌ای تئاتر دعوت می‌کنم که به میدان بیایند و عرصه را برای ناکار آمدان خالی نکنند.

دراماتورژی کردن این اثر بگوئید؟

بخش اعظم دراماتورژی این اثر به عهده میثم یوسفی بود. در ادامه بنده در چینش صحنه‌ها و بخش بندی ریتمیک کار برای جذاب‌تر شدن این اثر به گروه اضافه شدم. در این تغییرات، کمی قصه روان‌تر و اشعار به گونه کار نزدیک‌تر شد. در ادامه صحنه جدیدی نیز به کار اضافه شد که برای همان صحنه موسیقی جدیدی نیز آهنگسازی شد. با توجه به اینکه درام این نمایش از اثر رومنو و ژولیت اقتباس شده است و پایان بندی درام اصلی بسیار ترازیک است ما سعی کردیم به خاطر نوع مخاطبی که هدف داشته‌ایم (کودک، نوجوان و خانواده) پایان کار را که با حزن و اندوه همراه بود به اثری رضایت بخش‌تر بدل کنیم و محصل این تقابل را به صلح برسانیم.

چه نقشی را در این نمایش بازی می‌کنید؟

نقش مترونوم را در این نمایش بازی می‌کنم. دیگر سازها نیمه تن پوش هستند. این نقش کاملاً در تن پوش اجرامی شود.

فکر می‌کنید دیدن این نمایش بیشتر برای علاقه مندان به موسیقی جذاب‌تر باشد یا علاقه مندان در حوزه تئاتر و نمایش؟

به نظر من برای هر دو گروه جذاب است و از نظر بصری نیز جذاب‌تر است. مخاطب کودک و خانواده است. مخاطبان ضمن دیدن این نمایش با مباحث سازشناسی هم آشنایی پیدا می‌کنند.

آیا بازیگران نمایش، اجرای خوانندگی هم دارند؟

خیر، فقط بنده یک اجرای کوتاه بحر طویل به شکل ریتمیک ضربی دارم. اشعار کار در حین تغییرات روان‌تر و ساده‌تر شده‌اند که اتفاقاً آهنگساز و بقیه دوستان این تغییرات را در اجرا بهینه دیدند.

ارتباط گیری مخاطبان، خصوصاً کودکان را با اثر چطور دیده‌اید؟

به یاد دارم در اجرایی که در فرهنگسرای نیاوران داشتیم در پایان کار کودکی جلوی من را گرفت و از من پرسید که چرا در میان شخصیت‌های سازی، سنتور نداشتیم! من به او گفتم که اگر می‌خواستیم همه سازها را بیاوریم که خیلی زیاد بودند. کودک به من گفت: من خیلی ساز سنتور را دوست دارم و اینجا همه بودند به جز سنتور! در همین جا متوجه شدم که کودکان کاملاً نقش‌ها را مانند یک ساز زنده روی صحنه تصور می‌کنند.

به نظر تان حال تئاتر در این روزها بهتر است یا خیر؟

با توجه به استقبال گروه‌های نمایشی و مخاطبان به نظر

کسانی که دلسوزانه و دغدغه مند بدون چشمداشت پای کار و اجرای آن می‌ایستند. در این شرایط اگر مرکز هنرهای نمایشی و مراکز دیگر مرتبط با تئاتر حمایت‌های خود را از گروه‌های نمایشی نداشته باشند این سختی و مرارت دوچندان می‌شود. رسالت این نهادها تنها بحث مجوز دادن و نظارت دور آدور بر اجرا نیست. به طور کل این سازمان‌ها و نهادها به وجود آمده‌اند که موانع را از سر راه هنرمندان بردارند. برای همین اتفاق، یکی از مهم‌ترین وظیفه مسئولان حضور در مجامع هنری و صحنه‌های اجرای تئاتر است بدون اینکه توجه کنند این نمایش با سلیقه و طرز فکر شخصی شان سازگار است یا نه؟ هر قشر و گروه نمایشی با هر سبک اجرای و طرز فکر متفاوتی که دارد، فرزندان این سرزمین هستند. هیچ پدری به خاطر اختلاف سلیقه یا طرز فکر میان فرزندان خود نباید تفاوت قائل شود. متأسفانه نمایش آئینی در ایران بسیار مهجور باقی مانده است. هر دو سال یک بار یک جشنواره نمایش آئینی با هزار ممنوعیت و محدودیت برگزار می‌شود که تا بحال نتوانسته وجهه رسمی و معتبری از این سبک نمایشی که در ایران را جانمایی کند.

این نمایش با کمک خانم مرضیه برومند، بنفشه بدیعی و همچنین گروه نمایشی بچه‌های بزد در سال ۱۳۹۸ تولید شد و در سال ۱۴۰۰ اجرای مشترک این کار با گروه بازیگران بزدو تهران در سالن چارسو اجرا شد. هم‌اکنون سعادت این را داشتیم که سومین دوره این نمایش را در پردیس تئاتر شهر زاد به اجرا ببریم. تئاتر کم‌بضاعت است و متأسفانه ما برای تبلیغ کار امکان استفاده از بیلبوردهای شهری را نداریم و امیدوارم با کمک دوستان رسانه‌ای مثل شما اطلاع‌رسانی این اجرا انجام شود. در این نمایش ما مدعی هستیم که تنها اثر تولید شده در این ژانر خاص هستیم.

صحبت پایانی:

این نمایش را برای مردم ایران و خانواده‌های ایرانی تولید کردم. حضور تماشاچی برای خانواده تئاتر قطعاً برای هنرمندان قوت قلب است. بدون حضور تماشاچی کار ما معنایی ندارد.

ناصر آویژه:

عرصه برای فعالیت غیر حرفه‌ای خالی شده است با توجه به اینکه به جز ایفای نقش در این اثر نمایشی، بخشی از دراماتورژی این کار هم بر عهده تان بوده است. در مورد

